

## طراحی و تبیین سنجه‌های الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت با رویکرد تحلیل دوسطحی اندماجی (مبتنی بر آرای آیت‌الله خامنه‌ای)<sup>۱</sup>

محمد شستا بدر<sup>۲</sup>

نعمت‌الله زمانی علی‌آبادی<sup>۳</sup>

### چکیده

در این پژوهش که مبتنی بر روش کتابخانه‌ای و به صورت توصیفی - تحلیلی است، پس از ارائه سنجه‌های الگو از منظر امام خامنه‌ای و با بهره‌گیری از تکنیک دلفی، الگوی پژوهش ترسیم شد و در نهایت این نتیجه حاصل شد که الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت از حیث سخت‌افزاری و نهادی با قوامیت سنجه‌های: کلان اربعه و محتوایی تسعه، در قامت اصولی فطری و در مقامی ثبوتی است؛ و در سطح نرم‌افزاری و تحلیلی در تمامی حوزه‌های علوم، متکی بر ظرایف زمان و مکان است، که در مقامی اثباتی و در ظرف اصول متغیر می‌گنجد. لذا در آن دسته اموری که دین مبین جزو ثابتات قرار داده، الگو، واحد است و در آن دسته اموری که جزو متغیرات و تابع مقتضیات زمان و مکان است، الگویی چندوجهی است. در این پژوهش، به منظور پاسخ به پرسش اصلی پژوهش، که عبارت بود از شناخت کیفیت الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت، از حیث واحد یا متکثر بودن، تلاش شد به تبیین این مفهوم

۱. این پژوهش، ماحصل سرفصل‌های پژوهشی دوره تخصصی گفتمان امام و رهبری است، که با حمایت معنوی مرکز آموزش مبانی اندیشه اسلامی (طرح ولایت) تدوین شده است.

۲. mohammadsheta.badra14@mihanmail.ir

۳. پژوهشگر جامعه المصطفی‌العالمیه

Nemat314@yahoo.com

۳. دانش‌آموخته حوزه علمیه قم

دو سطحی که با قوامیت نظریه وحدت در کثرت و کثرت در وحدت - در فضای منطق فازی مبتنی بر ترابطی اندماجی هم چون دو روی یک سکه شکل می‌یابد، اشاره شود.

### کلیدواژه‌ها

الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت، الگوی واحد و چتر گستر، الگوی چندوجهی، تحلیل دو سطحی، ترابط اندماجی، آیت‌الله خامنه‌ای.

### مقدمه

امروزه با گسترش ارتباطات بین‌المللی و توسعه روزافزون جوامع، بشر با تغییر و تحولات فراوان روبه‌رو است؛ گسترش صنایع، ارتباطات، نظریه‌ها و... همه، باعث نیاز بیشتر انسان به الگویی مناسب برای پیشرفت است. از طرف دیگر، هر روز الگوها و روش‌هایی برای پیشرفت مطرح می‌شود، که سعی در تکمیل الگوهای قبلی داشته و در تلاش هستند با ارائه الگوهای مناسب، نیاز انسان‌ها را هر چه بیشتر برطرف کنند.

برای همین منظور، اهمیت یافتن عامل فرهنگ در بحث‌های توسعه، از اواسط دهه ۱۹۸۰ میلادی به این سو، اشتیاق به تدوین الگوهای مناسب‌تر برای دستیابی به رشد و توسعه را که با موقعیت بومی و محلی کشورها سازگارتر باشد - بیش از پیش - در دوران پس از پایان جنگ سرد افزایش داد (پایا، ۱۳۸۸: ۳۲).

اما آیا انسان به تنهایی با استفاده از دانش‌های خود و روش آزمون و خطا، می‌تواند الگویی برای سعادت انسان ترسیم کند؟ به بیان ساده‌تر آیا بدون کمک گرفتن از وحی و علوم غیر تجربی، می‌توان این الگو را طراحی کرد؟

در گذشته، قوم لوط دچار رذیله همجنس‌گرایی<sup>۱</sup> بودند و از طرف خداوند مورد عذاب واقع شدند.<sup>۲</sup> امروز نیز در بسیاری از کشورهای - به اصطلاح - توسعه‌یافته همجنس‌بازی ترویج می‌شود و به‌عنوان حقوق بشر مطرح می‌شود. در گذشته، فراعنه و پادشاهان، به مال‌اندوزی می‌پرداختند و به دیگران ظلم می‌کردند تا این که مورد عذاب الهی

1. Homosexuality

۲. ر. ک: اعراف: ۸۴-۸۰؛ هود: ۸۳-۸۱؛ عنکبوت: ۳۴-۲۸ و ق: ۱۴-۱۱ و...

قرار گرفتند؛<sup>۱</sup> و امروز تفکر غربی، بر همان منوال است. بنا به همین نیاز و با ملاحظه این قراین، با عبرت گرفتن از تاریخ و عدم انفعال در منش تفکر غربی و غیر غربی ابعاد از مبانی توحید ناب، لزوم تدوین و طراحی الگوهای اسلامی در زمینه‌های مختلف زندگی فردی و جمعی، مبرهن می‌شود. در این پژوهش به مجموع این الگو که مفهوم کامل پیشرفت را در بر می‌گیرد، با نام الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت تعبیر می‌شود. تجربه‌ای که از پیروزی انقلاب اسلامی، در اذهان عقلای قوم نقش بست، و به تدریج پروراندده شد تا این که در نخستین نشست اندیشه‌های راهبردی (ر. ک: ۱۰ آذر ۱۳۸۹)، به‌عنوان فصل مشیج و مشترک حرکت به سمت عقلانیت، پیشرفت و عدالت در جهت نظام‌سازی و انسان‌تر از اسلام به سمت آموزه‌های ناب توحیدی، اعلام و تبیین گشت.

### فلسفه لزوم این کار

«به خاطر این که امروز در چشم بسیاری از نخبگان ما، بسیاری از کارگزاران ما، مدل پیشرفت صرفاً مدل‌های غربی است؛ توسعه و پیشرفت را باید از روی مدل‌هایی که غربی‌ها برای ما درست کرده‌اند، دنبال و تعقیب کنیم... این چیز خطرناکی است» (خامنه‌ای، ۲۵ اردیبهشت ۱۳۸۶).

با توجه به این که ما مسلمان هستیم و معتقدیم اسلام، دین آخر (سوره مائده: ۳) و پیامبر اکرم ۹، خاتم الانبیاء ۹ است (سوره احزاب: ۴۰)؛ و این که تنها اسلام است که راه نجات و الگویی برای سعادت است (سوره آل عمران: ۱۹ و ۸۵)؛ در نتیجه اگر قرار است الگویی برای پیشرفت و سعادت انسان‌ها ترسیم شده و به کار گرفته شود، تنها از نظر اسلام است که می‌توان به چنین الگویی رسید.

با این مفروضات مبتنی بر کلام و حکمت اسلامی، این پژوهش به ماهیت و ساختار این الگو می‌پردازد، با تتبع انجام شده از حیث عقلی و نقلی، به نظر می‌رسد راه میانی برای

۱. ر. ک: بقره: ۵۰؛ آل عمران: ۱۱؛ اعراف: ۹۳-۸۵؛ انفال: ۵۴ و ۵۲؛ یونس: ۹۰؛ عنکبوت: ۳۹؛ قمر: ۴۲ و ۴۱؛ مزمل: ۱۶؛ بروج: ۲۰-۱۷ و ...

رسیدن به پیشرفت و سعادت، الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت است؛ الگویی که بتوان با تمسک به آن، زمینه‌های ظهور حضرت حاضر، را فراهم ساخت.

بر اساس این، نیازمند تبیین شقوق این الگو هستیم تا اولاً به درکی مشترک از الگو برسیم و ثانیاً جدای از بررسی سایر مسائل فلسفی، جامعه‌شناختی و عملیاتی مرتبط با الگو، در تحلیلی دوسطحی مبتنی بر کیفیت ترابط آن، به پاسخی برای این پرسش راهبردی برسیم، که:

به‌طور کلی منظور از الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، آیا یک الگوی جامع است، که نقش چترگستری دارد؟ یا این که الگوهای متکثری در حوزه‌های مختلف، محل بحث است؟

## ۱. مبانی نظری پژوهش

### ۱-۱. تبیین مفاهیم الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

#### ۱-۱-۱. الگو

الگو، اشعار به نمای کلی، سنجه، سیمای ماهوی و شکلی یک جریان، فرایند، روند یا اندیشه و هر نوع مقوله - جزئی یا کلی - است، که در ابتدا نیازمند تبیین کلان از حیث درونی و سپس ترسیم بیرونی ابعاد عملیاتی آن است.

اگر به این تعریف - به‌عنوان مفروض - نگاه کنیم، می‌توان در سطحی کلان، الگو را به ساختار تشبیه کرد، که بر خلاف تصور عمومی و البته اشتباه از ساختار، تنها نمایان‌گر قالب، نمودار و شکل بیرونی نیست؛ بلکه می‌تواند به لایه‌های درونی نیز اشاره داشته باشد که برای مثال می‌توان به ساختار و محتوای قرآن کریم اشاره کرد، و یا به مثال زبان و اندیشه در فلسفه تحلیل زبانی<sup>۱</sup> رهنمود داد؛ که تبیین آن‌ها فراتر از اغراض این پژوهش است. در نگاهی ساده‌تر و اجمالی - منظور از الگو - نمونه عینی و مشهود یک فکر و عمل در ابعاد گوناگون است، که برای رسیدن به کمال، از سوی دیگران پیروی می‌شود.

واژه‌های امام، اُسوه، قُدوه، مُدل، نمونه، مثال، سرمشق، هادی، دلیل، حجت نیز در متون اسلامی و تعلیم و تربیت و روان‌شناسی، تقریباً به معنای الگو هستند (مهدی‌زاده، ۱۳۸۲: ۸۵).

نتیجه این که، الگو باید روش کاملاً درستی باشد که قرار است انسان خود را با آن تطبیق دهد؛ چون اگر نسبت به درستی الگوی مورد نظر، اطمینان لازم کسب نشود، چه تضمینی وجود دارد که انسان را به سعادت برساند؟ پس باید به درستی روش و الگویی که قرار است معیار حرکت قرار گیرد، یقین داشت.

بنابراین، «الگو یک وسیله و معیار و میزانی است برای این که آن کاری که انسان می‌خواهد انجام دهد، با آن الگو تطبیق داده شود» (خامنه‌ای، ۳۰ شهریور ۱۳۸۱)؛ چون «الگو نقشه جامع است... بدون نقشه جامع، دچار سردرگمی خواهیم شد؛ هم‌چنان که در طول این سی سال، به حرکت‌های هفت و هشتی، بی‌هدف و زیگزاگ مبتلا بودیم و به این در و آن در زدیم» (همو، ۱۰ آذر ۱۳۸۹). لذا «انسان‌ها با شناخت الگوها، با یاری گرفتن از پیروی الگوهاست، که می‌توانند به درجات عالی و مقامات برتر دست پیدا کنند» (همو، ۲۳ اردیبهشت ۱۳۹۱).

### ۱-۱-۲. اسلامی

«به خاطر این که بر مبانی نظری و فلسفی اسلام و مبانی انسان‌شناختی اسلام استوار است» (خامنه‌ای، ۲۵ اردیبهشت ۱۳۸۶) از طرف دیگر، اسلامی است؛ «به خاطر این که غایات، اهداف، ارزش‌ها و شیوه‌های کار، همه از اسلام مایه خواهد گرفت؛ یعنی تکیه ما به مفاهیم اسلامی و معارف اسلامی است» (همو، ۱۰ آذر ۱۳۸۹)

به نظر می‌رسد شاقول و مبنای تأییدی همه اموری که داعیه مسیر کمال را دارند، جز با نگاه توحیدی برآمده از اسلام ناب، ممکن و بلکه معقول نیست. اسلام الهی که سردمدار پیشرفت و تعالی بشریت است، در جهات و حیثیات گوناگون دارای برنامه‌ریزی دقیق و گسترده‌ای است، که نیازمند استخراج و استحصال از مبانی ناب موجود در ادبیات و مفاهیم اسلامی است. لذا امام رضا ۷ می‌فرماید: «عَلَيْنَا إِلقاءُ الْأَصُولِ وَعَلَيْكُمْ بِالتَّفْرِيعِ» (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۷: ۳۳۲).

بنابراین الگوی مذکور، باید اسلامی باشد تا دنیا و آخرت مخاطبین، که همه بشریت هستند، تأمین شود.

نکته دیگر این که اسلامی بودن الگو، نه به این مفهوم که از تجارب دیگران استفاده

نکنیم، بلکه اشاره به شناخت و حفظ اصول بنیانی و گم‌نکردن صراط مستقیم، است؛ چرا که مطابق فهم از قرآن کریم و روایات مأثور، نه تنها اختلاط با غیر مسلمانان وارد شده؛ بلکه علم‌آموزی و آموختن از ایشان نیز مورد تأکید است.<sup>۱</sup>

### ۱-۱-۳. ایرانی

«چون فکر و ابتکار ایرانی، این را به دست آورده [است]»، (خامنه‌ای، ۳۰ شهریور ۱۳۸۱) «یعنی ما نمی‌خواهیم این را از دیگران بگیریم. ما می‌خواهیم آنچه را که خودمان لازم می‌دانیم، مصلحت کشورمان می‌دانیم، آینده‌مان را می‌توانیم با آن تصویر و ترسیم کنیم، این را در یک قالبی بریزیم» (همو، ۱۰ آذر ۱۳۸۹).

در باره این مطلب - با وجود این بیان واضح - هنوز ابهاماتی نزد برخی از افراد علمی کشور وجود دارد؛ این که ایرانی بودن از حیث ماهوی چه تأثیری دارد؟ این که الگوی اسلامی پیشرفت، مثلاً در مصر، ترکیه، ژاپن و ... آیا تفاوت ماهوی با همان الگو در ایران دارد یا خیر؟ و پرسش‌هایی مانند آن.

این نوع سؤال‌ها نیازمند بررسی است؛ اما به‌طور کلی می‌توان باید گفت: الگوی اسلامی پیشرفت، متناسب با اقتضائات هر کشور در بستر فرهنگی، اجتماعی و سیاسی متعارفی شکل می‌گیرد که ضمن بهره‌مندی از اصول ثابت، به امور متغیری نیز ارجاع داده می‌شود. لذا اولاً نقش مقتضیات عمومی کشور ایران و ثانیاً تمدن غنی و کهن ایرانیان و ثالثاً مردمانی سخت‌کوش و مبتکر که می‌توان نمونه‌های این مدعا را در تاریخ علم یافت، حاکی از جریان‌سازی اندیشه و تفکر خلاقانه ایرانیان دارد که در الگوی اسلامی پیشرفت، به دنبال تحقق آمال و اغراض ناب اسلامی هستند.

### ۱-۱-۴. پیشرفت

از حیث لغوی، کلمه پیشرفت از دو بخش «پیش» و «رفت» تشکیل شده، که مصدر

۱. ر. ک: «أُظِلُّوا الْعِلْمَ وَلَوْ بِالصَّيْنِ» (خطیب بغدادی، ۱۳۹۵: ۷۱)؛ «الْحِكْمَةُ صَالَةٌ الْمُؤْمِنِ» (نهج البلاغه، حکمت ۷۷)؛ «حُدُّوا الْحَقَّ مِنْ أَهْلِ الْبَاطِلِ»؛ (برقی، ۱۳۷۰، ج ۱: ۲۲۹)؛ «لَا تَنْظُرْ إِلَى مَنْ قَالَ وَانظُرْ إِلَى مَا قَالَ»؛ (متقی هندی، ۱۴۱۳، حدیث ۴۲۲۱۸) و مانند آن.

رفتن، مقصود از پیشتازی و همان توصیه مشهور علمای اخلاق و عرفای الهی است که به مناسبت‌های مختلف، می‌گفتند: یک قدم به جلو.

«در آیین و فرهنگ پیامبر اعظم ﷺ توقف نیست، ایستادن نیست، وامانده شدن نیست، تحجر نیست و نومی‌دی وجود ندارد؛ پیامبر ما با نومی‌دی جنگید» (خامنه‌ای، ۱ فروردین ۱۳۸۵).  
لذا پیشرفت؛ یعنی پیش‌رفتن به سمت آرمان‌ها و مقاصد تعریف شده، که می‌تواند به تناسب نظام ارزشی جوامع مختلف، متفاوت باشد؛ یعنی حرکت به سمت هدف، نه این‌که خود پیشرفت هدف قرار داده شود، همانند آنچه در خصوص توسعه به کار می‌رود. لذا وجه جامع تمامی کاربردهای این واژه، جلورفتن و ترقی کردن است (طاهری، ۱۳۹۰: ۱۰۵).

«پیشرفت برای همه کشورها و همه جوامع عالم، الگوی واحدی ندارد... شرایط گوناگون... در ایجاد مدل‌های پیشرفت، اثر می‌گذارد... پیشرفت در کشور ما... با شرایط تاریخی ما، با شرایط جغرافیایی ما، با اوضاع سرزمینی ما، با وضع ملت ما، با آداب ما، با فرهنگ ما و با میراث ما - الگوی ویژه خود را دارد» (خامنه‌ای، ۲۷ اردیبهشت ۱۳۸۸). از طرف دیگر، «تأثیر مبانی معرفتی و مبانی فلسفی و مبانی اخلاقی بر نوع پیشرفتی که او می‌خواهد انتخاب کند، یک تأثیر فوق‌العاده است. مبانی معرفتی ما، به ما می‌گوید این پیشرفت مشروع است یا نامشروع» (همان).

بنابراین منظور از پیشرفت، تصور روشنی دارد. از طرف دیگر، پیشرفت با توسعه و حتی با رفاه، متفاوت است؛ این‌ها هر کدام بار معنایی خاص خود را دارد. پیشرفت مورد نظر، اشعار به مقام ثبوت و تحصل «خیر الدنیا والاخره» دارد که رفاه دنیوی و سعادت اخروی در آن مقام، تجمیع شده است و بلکه در مقام تشکیک کمالی، رو به سوی نور دارد. هم‌چنین پیشرفت، چندبُعدی و چندساحتی، عمیق، کیفی در عین کمی و مبتنی بر درون‌زایی و حیات طیبه است.

با این نگاه، پیشرفت مورد نظر، شامل ویژگی‌های زیر است:

۱. متفاوت با آن لفظی است، که در غرب به کار می‌رود؛
۲. برنامه پیشرفت، با تحقق انقلاب کبیر اسلامی، به دوران بازیابی رسیده است و اینک به ثبوت در لایه‌های درونی جامعه رسیده است که این نخل ریشه‌دار، در مراحل

تولید علم و نهضت نرم‌افزاری، به تدریج به گفتمان رایج محافل علمی - فرهنگی - نخبگانی تبدیل می‌شود؛  
۳. این پیشرفت، فراتر از مرزهای کشور را نشانه رفته است.

### ۱-۱-۵. الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

پس از این که هر کدام از شقوق ترکیب الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت تبیین شد، درک کلی آن، ساده‌تر می‌شود. این ترکیب موزون و غنی، درکی منظومه‌ای می‌طلبد که در بنیان، مبتنی بر مبانی اسلام ناب و توسط تفکر ایرانی و اقتضائات فرهنگی، اجتماعی و تاریخی ایرانیان، به دنبال طراحی تمدنی جدید در رسیدن به پیشرفت همه‌جانبه است. الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت ملی، به دلیل چند بُعدی و فوق‌رشته‌بودن، از مفاهیم رشته‌های مختلف علوم اجتماعی، جامعه‌شناسی ساختار یافته است که به شدت از ارزش‌های اساسی دینی و الهی متأثر است. این الگو هم‌چنین پیشرفت ملی را به گونه‌ای تعریف می‌کند، که رسیدن به اهداف عالی حیات طیبه انسان را در هر دو بعد مادی و معنوی تسهیل ببخشد، بدون آنکه بخواهد امکانات و قابلیت‌ها و محدودیت‌های مادی و معنوی نظام اجتماعی ایران را نادیده بگیرد (خوش‌چهره و حبیبی، ۱۳۹۱: ۲۲۱).  
نتیجه آنکه:

۱. پیشرفت در کشور ما با انقلاب و با نهضت انقلابی شروع شد.
۲. این تفکر که پیشرفت کشور، لزوماً با الگوهای غربی انجام بگیرد، تفکر خطرناکی برای کشور است. الگوهای غربی با شرایط، مبانی ذهنی و اصول خودشان شکل پیدا کرده؛ به علاوه آنکه ناموفق بوده و بشریت را دچار فاجعه کرده‌اند.
۳. پیشرفت از نظر غرب، پیشرفت مادی است... پیشرفت وقتی مادی شد، معنایش این است که اخلاق و معنویت را می‌شود در راه چنین پیشرفتی، قربانی کرد... اما از نظر اسلام، پیشرفت این نیست. البته پیشرفت مادی به‌عنوان وسیله، مطلوب است ولی هدف، رشد و تعالی انسان است.
۴. پیشرفتی که ما می‌خواهیم بر اساس اسلام و با تفکر اسلامی معنا کنیم، فقط برای انسان ایرانی سودمند نیست، چه برسد بگوییم برای طبقه‌ای خاص. این پیشرفت،



برای کل بشریت و برای انسانیت است (خامنه‌ای، ۲۵ اردیبهشت ۱۳۸۶).  
 ۵. لذا هدف عبارت است از: «ساختن کشوری که بتواند در دنیا الگو باشد (سوره بقره: ۱۴۳) و آن چنان بالا قرار گیرید، که بتوانید ناظر بر همه عالم باشید؛ بر همه روش‌ها، بر همه تمدن‌ها و مدنیت‌ها» (همو، ۱۱ آبان ۱۳۷۹) تا بدان جا که «الگو را بر سر دست بگیریم تا ملت‌ها بتوانند ببینند که یک ملت در سایه اسلام و با تعالیم اسلام، چگونه می‌تواند پیشرفت کند» (همو، ۱ فروردین ۱۳۹۰).

### ۲-۱. جایگاه الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت در اسناد بالادستی نظام

«اگر ما توانستیم به حول و قوه الهی، در یک فرایند معقول، به الگوی توسعه اسلامی - ایرانی پیشرفت دست پیدا کنیم، این یک سند بالادستی خواهد بود نسبت به همه اسناد برنامه‌ای کشور... البته این الگو، یک الگوی غیر قابل انعطاف نیست» (خامنه‌ای، ۱۰ آذر ۱۳۸۹).

بنا به اهمیت این مطلب، مقننان نظام از آن غافل نبودند؛ لذا به فراخور مصوبات گوناگون در اسناد بالادستی نظام اعم از: قانون اساسی، سند چشم‌انداز ۱۴۰۴، سیاست‌های کلی نظام و برنامه‌های پنج‌ساله توسعه - به اشارت یا به تفصیل - توجه به پیشرفت همه‌جانبه مبتنی بر الگوی اسلامی ایرانی را در تصویب قوانین قرار داده و می‌دهند. ضرورت مطلب تا آن جا بسط یافته که دهه حاضر (۹۸-۱۳۸۸)، دهه پیشرفت و عدالت نام‌گذاری شد (همو، فروردین ۱۳۸۸).

«لازمه تحقق الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت و رسوخ آن در میان نخبگان، گفتمان‌سازی آن در جامعه است» (همو، ۱۴ اسفند ۱۳۹۱).

«طراحی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت در واقع ارائه محصول انقلاب اسلامی و طراحی یک تمدن جدید و پیشرفته در همه عرصه‌ها بر مبنای تفکر و اندیشه اسلام است. بنابراین افق کار باید بلندمدت و همراه با افزایش عمق دیده شود» (همان).

### ۳-۱. ضرورت و اهمیت پژوهش

مطالعه تحلیلی و پیگیری مسیر علمی در جهت رسیدن به الگو و نیز حل مسئله این

پژوهش، که در قالب پرسشی راهبردی طرح شده است و هم‌چنین یافته‌ها و نتایج این پژوهش، ضرورت و اهمیت آن را روشن می‌کند. با انجام پژوهش حاضر می‌توان به‌طور خلاصه به ضرورت و اهمیت چند نکته اساسی پی برد:

۱. در شناخت صحیح نظام‌واره الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت از منظر آیت‌الله خامنه‌ای، مفید است؛
۲. در انتخاب صحیح مقصود و مراد از الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، مثمر است؛
۳. دستاوردهای آن می‌تواند راهنمایی برای متخصصین این حوزه برای تفریح الگوهای پیشرفت در حوزه‌های مختلف توسعه و نیازهای جامعه و حتی عرصه بین‌الملل باشد.

#### ۴-۱. پیشینه پژوهش

با توجه به مستحدثه‌بودن موضوع این پژوهش از حیث شاخصی، طی سالیان اخیر - پس از طرح مسئله - پژوهش‌ها و آثار گسترده‌ای در قالب مکتوبات علمی تولید و تدوین شده، که همگی در حوزه‌های گوناگون این الگو، تلاش در جهت تبیین آن داشتند؛ هر چند به نظر می‌رسد در این حوزه، به‌ویژه از حیث عملیاتی‌سازی و ارائه گزاره‌های سرآمد و نیز تتبع مطابق با نوع نگاه خاص آیت‌الله خامنه‌ای، با پژوهش‌های عمیقی مواجه نیستیم؛<sup>۱</sup> اما در عین حال و با توجه به این که اولین مرحله از هر نقش‌آفرینی تاریخی، مرحله گفتمان‌سازی و فرهنگ‌سازی آن است، لذا این پژوهش‌ها می‌تواند راه‌گشا باشد. در ادامه به برخی از این پژوهش‌ها اشاره می‌شود:

#### الف. کتاب

- الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت (اصول و عناصر)، نیک‌بخش حبیبی، دانشگاه عالی دفاع ملی، ۱۳۹۲.

۱. به نظر می‌رسد یکی از دلایل اصلی این ناکامی، توفیق‌نیافتن در یافتن پاسخی برای پرسش اصلی این پژوهش می‌باشد.

- الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت: پیش‌نیازها، اصول و آسیب‌ها، علی ذوعلم؛ مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، ۱۳۹۳.
- الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، ضرورت‌ها و نتایج، حسن بنیانیان، مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، ۱۳۹۳.
- آمایش سرزمین و نقش آن در تبیین الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، عیسی ابراهیم‌زاده، مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، ۱۳۹۳.
- ارائه چارچوب و مدلی جهت شناسایی و رفع تعارضات بین برنامه‌های ملی و الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، وحیدرضا سلامت، مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، ۱۳۹۴.

#### ب. پایان‌نامه و رساله

- تحلیل لایحه الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت با توجه به اقتضائات اسلامی پیشرفت در حوزه علم و فناوری، سید علیرضا رادمنش، دانشگاه علامه طباطبایی، ۱۳۸۳.
- ابعاد سیاسی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت با تأکید بر اندیشه رهبر معظم انقلاب، سید مجتبی هاشمی، دانشگاه امام صادق ۷، ۱۳۹۱.
- مفهوم‌سازی منابع ملی در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، رسول نیکنام، دانشگاه علامه طباطبایی، ۱۳۹۲.
- شاخص‌های فرهنگی مدینه فاضله مهدوی برای طراحی شاخص‌های فرهنگی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، محمد علی خسروی، دانشگاه قم، ۱۳۹۳.
- الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت در جهت تحقق اقتصاد دانش‌بنیان در ایران، امیدی هندی ورکانه، دانشگاه امام صادق ۷، ۱۳۹۳.
- مدل جامع رهبری اثربخش سازمانی با رویکرد الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، عبدالاله بانثی، رساله دکتری، دانشگاه علامه طباطبایی، ۱۳۹۳.

#### ج. طرح پژوهشی

- بررسی مفهوم و مبانی سلامت معنوی و جایگاه آن در طراحی الگوی ایرانی

اسلامی پیشرفت در عرصه سلامت، محمود عباسی، طرح پژوهشی فرهنگستان علوم پزشکی ایران، ۱۳۹۰.

### ۱-۵. تبیین فرضیات پژوهش

فرضیه اول: الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، الگویی واحد و عام است، که همه چیز ناظر به آن الگو می‌باشد.  
فرضیه دوم: الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، الگویی چند وجهی است که ناظر به مفاهیم پیشرفت در منطق اسلامی می‌باشد.

### ۱-۶. روش تحقیق و فرایند انجام آن

پژوهش حاضر از منظر هدف، از نوع نظری استحصالی؛ و از نظر روشی، کیفی از نوع توصیفی تحلیلی در دو سطح است، که با تأکید بر توصیف گزاره‌ها و فرضیه پژوهش انجام شده است.

نوع گردآوری داده‌های پژوهش با استفاده از تحقیقات کتابخانه‌ای، مطالعاتی و تحقیقات میدانی است، که مبتنی بر تحلیل محتوا و با استفاده از روش دلفی،<sup>۱</sup> الگوی پژوهش ارائه شده است. دلفی، روش و تکنیکی به منظور گردآوری داده‌ها و آرا به صورت جامع و کلان است که از صاحب‌نظران حوزه‌های تخصصی، گرفته می‌شود.<sup>۲</sup>

#### 1. Delphi Technique

۲. بر خلاف آنچه بعضی‌ها معتقدند؛ استفاده از دستاوردهای پژوهشی غیر مسلمانان، به معنای التقاط نیست و هم‌چنین ارتباطی با تقلید ندارد. اگر این مطلب را نپذیریم، پس پذیرش روش استفاده از خندق در غزوه خندق توسط یک نفر عجم و پذیرش آن توسط رسول الله ﷺ، اقدامی اشتباه بوده است؛ در حالی که بحث ما با غرب، بحث مبانی و جهان‌بینی و از سنخ معرفتی است.  
هر چند مناسب است از روش‌های اسلامی به صورت حداکثری استفاده شود؛ اما استفاده‌های پیش‌گفته نیز تابع مقتضیات است؛ مثل روش حکومت‌داری - نه محتوای آن - که در نظام جمهوری اسلامی برگزیده‌ایم. این وضعیت در علوم انسانی تا آن‌جا که مربوط به اصطلاحات و ادبیات باشد، مشکلی ایجاد نمی‌کند؛ زیرا الفاظ، ابزارند و می‌توان برای آن‌ها معادل قرار داد یا اصطلاح غربی آن را به کار برد... بسیاری از اصطلاحات رایج در علوم تجربی و علوم انسانی، اصطلاحات غربی‌اند... و ما نیز همین اصطلاحات را به کار می‌بریم و اشکالی هم ندارد (مصباح یزدی، ۱۳۸۹: ۹۱).

هم‌چنین پژوهش حاضر به دلیل برخورداری از نظریه‌پردازی، از نوع بنیادی است. در تحقیق کیفی، نمونه داده‌ها به صورت جهت‌دار به این امر کمک می‌کند تا نمونه‌های انتخاب شده، همواره متوجه تئوری در حال شکل‌گیری باشد. نمونه‌گیری جهت‌دار، فرایند جمع‌آوری داده برای تحلیل مقایسه‌ای است که با هدف تسهیل شکل‌گیری نظریه به کار گرفته می‌شود (دانایی‌فرد و امامی، ۱۳۸۶: ۷۸).

جامعه آماری پژوهش و به تناسب مطالعه موردی، مجموعه مستندات رهبری معظم انقلاب اسلامی در دهه ۸۰ و ۹۰ ه. ش است. ابزار و روش گردآوری اطلاعات نیز روش اسنادی از طریق بررسی مستندات است که با استفاده از روش استدلال منطقی و منطق تحلیل در پی پاسخ به این پرسش است که:

- آیا الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، الگویی واحد و چترگستر است یا الگوهایی متراکم و زنجیره‌ای؟

فرایندی که در کلیت این پژوهش طی شد، به این نحو بود که در ابتدا به بررسی و ذکر شاخص‌ها و سنجه‌های کلان و محتوایی مدنظر آیت‌الله خامنه‌ای در حوزه الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت پرداخته شد. در ادامه، پس از طرح بحث و دریافت آرای متنوع، به سنجش فرضیه‌ها مطابق با مسئله مدنظر پژوهش پرداخته شد. سپس ارزیابی نهایی انجام شد تا این که در نهایت به الگوی پژوهش و تعیین فرضیه مورد پذیرش در این پژوهش مبتنی بر نوع ترابط آن رسید، که صحت و روایی آن نیز متناسب با کیفی‌بودن پژوهش، با استفاده از روش دلفی اثبات شد.<sup>۱</sup>

## ۲. سنجه‌های الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

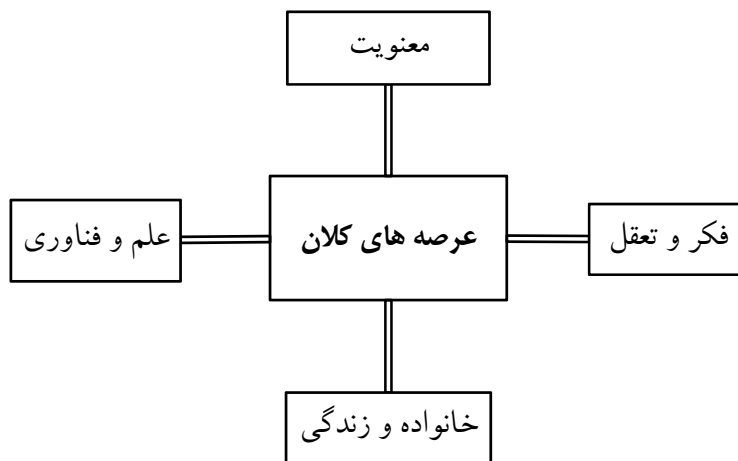
### ۲-۱. سنجه‌های کلان

شاخص‌های کلان الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت در چهار عرصه فکر و اندیشه، علم و

۱. با توجه به نظرخواهی‌های انجام شده که در سطح کارشناسی انجام شده، روایی پژوهش تأیید می‌شود؛ هر چند در پژوهش‌های کیفی بحث از سنجش روایی، قوامیت متفاوتی دارد. در پژوهش‌های کیفی، توجه به روایی تفاسیر است (به نقل از نیگل کینگ، دانایی‌فرد، الوانی و آذر، ۱۳۹۲: ۲۰۱)؛ هم‌چنین معیار صحت یک تفسیر، بین‌الذهانی بودن آن است (Reason & Rowan, 1981, P. 243).

فناوری، زندگی و خانواده، و معنویت طبقه‌بندی می‌شوند، که در ادامه ضمن ترسیم نمودار آن، به تبیین هر کدام از شاخص‌ها پرداخته می‌شود:

#### نمودار شماره ۱: مؤلفه‌های کلان الگوی پیشرفت



منبع: (خامنه‌ای، ۱۰ آذر ۱۳۸۹).

#### ۲-۱-۱. فکر و تفکر (عقلانیت)

فکر و اندیشه از مختصات انسان است. هر چه در هندسه خلقت، اندیشید، با توجه به مجردبودن فکر و اندیشه، در تصاعد و رشد همگون قرار می‌گیرد و هر چه این رشد، فزونی یابد، دریچه‌های حکمت به قلب انسان وارد خواهد شد. این پدیده، هم در مورد انسان‌ها و هم در مورد پیشرفت ملل صادق است، لذا خدای متعال می‌فرماید:

«وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ» (اعراف: ۹۶).

ایمان و تقوا نیز به دست نخواهد آمد مگر با اندیشه‌ورزی و تعقل، تا آن‌جا که پیش شرط پذیرش اصول دین، منوط به حل و عقد آن در ذهنیت انسان‌هاست. بنابراین هیچ فرد و جامعه‌ای به صلاح و رستگاری نخواهد رسید مگر این‌که درباره خود، جهان پیرامون و دستگاه خلقت تفکر کند.

لذا در متن یک جامعه متفکر، هیچ سخنی بدون حجیت شرعی و استدلال عقلی پذیرفته نمی‌شود، چه این‌که ما به حسب عقل، اشرف مخلوقات شده‌ایم؛ بنابراین عقل را به عنوان چراغ راهنمایی می‌دانیم که در تاریکی‌ها ما را به سرمنزل مقصود هدایت، خواهد رساند. چنین فرد و در نتیجه جامعه‌ای، جامعه‌ای است مبتنی بر فکر منطقی و سیر و سلوک برهانی (مطهری، ۱۳۹۰: ۱۷۲)؛ یا به تعبیر دیگر عبارت است از حیات عقلانی (همان، ۱۳۹۱: مقدمه).

در قرآن کریم عبارت «لَقَوْمٌ يَتَفَكَّرُونَ» (یونس: ۲۴؛ نحل: ۱۱ و ۶۹؛ روم: ۲۱؛ زمر: ۴۲؛ جاثیه: ۱۳)، «لَقَوْمٌ يَعْقِلُونَ» (بقره: ۱۶۴؛ جاثیه: ۵؛ نحل: ۱۲ و ۶۷)، «أَفَلَا يَعْقِلُونَ» (یس: ۶۸)، «أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ» (نساء: ۸۲؛ محمد: ۲۴) بسیار آمده است. پس باید جوشیدن فکر و اندیشه‌ورزی و عقلانیت در جامعه به یک حقیقت نمایان و واضح تبدیل شود. حال که از ضرورت فکر و تعقل گفته شد، لازم است به گسترده‌سازی اندیشه نیز اشاره‌ای کرد:

اندیشیدن و تعمق، وظیفه همگانی برای تمامی انسان‌ها متناسب با استعدادها و ظرفیت‌هایی است که دارند؛ اما اگر مبنای اندیشیدن را به حوضچه‌ای دایره‌ای تشبیه کنیم، هر چه به عمق میانی این حوضچه نزدیک شویم، لازم است لایروبی دقیق‌تری انجام شود. در دایره اندیشه نیز، نفوذ به اعماق، نیازمند خالص شدن است و این وظیفه‌ای خاص و مأموریتی راهبردی برای نخبگان و اهل اندیشه است.

البته «این از مجموعه نخبگان شروع خواهد شد، بعد سرریز خواهد شد به آحاد مردم. البته این راهبردهایی دارد، الزاماتی دارد. ابزار کار، آموزش و پرورش و رسانه‌هاست؛ که باید در برنامه‌ریزی‌ها این‌ها همه لحاظ شود و بیاید» (خامنه‌ای، ۱۰ آذر ۱۳۸۹).

## ۲-۱-۲. علم و فناوری

یکی از ارکان حیاتی تداوم و گسترش عمقی حیات یک ملت، دقت و تأمل در مباحث علمی و علوم ناظر به واقعیات زندگی مردم است. لذا پیشرفت در علم و علم فناورانه، که محصول تمرکز بر فناوری‌های پایدار و نو است، می‌تواند نشان‌دهنده حیاتی بالنده برای هر جامعه‌ای باشد.

بنابراین ضرورت این مطلب روشن است، که «در علم باید ما پیشرفت کنیم؛ البته علم هم خود، محصول فکر است» (خامنه‌ای، ۱۰ آذر ۱۳۸۹). لذا وقتی شاخص فکر و اندیشه که در فراز قبلی تبیین شد، نهادینه شود، بالتبع علم و فناوری نیز قوامیت خود را در مسیری هموار، پیدا خواهد کرد. پیش شرط حصولی این مطلب، در آن است، که «کار علمی را بایستی عمیق و بنیانی انجام داد» (همان). نکته دیگر، اتقان و رشدزایی درونی مقوله علم و فناوری است. امیرالمؤمنین علی ۷ می‌فرماید:

«الْعِلْمُ سُلْطَانٌ مَنْ وَجَدَهُ صَالِحًا بِهِ وَمَنْ لَمْ يَجِدْهُ صَالِحًا عَلَيْهِ»؛ (ابن‌ابی‌الحدید، ۱۴۰۴، ج ۲۰: ۳۱۹).

مطابق با برداشت از این شاخص، مقوله علم، فی‌نفسه عاملی پیش‌برنده و برجسته است که صاحب آن را به مقامات رفیع می‌رساند. لذا علم، سلطان است؛ پس اگر کسی مجهز به آن باشد، می‌تواند همواره عزت‌مند بماند و حتی علیه استضعاف‌کنندگان قیام کند.

## ۲-۱-۳. زندگی و خانواده

خانواده به‌عنوان کوچک‌ترین واحد اجتماعی و البته عمیق‌ترین و اثرگذارترین نهاد اجتماعی در شکل‌گیری شخصیت انسان، نقش بی‌بدیلی در ساخت جوامع بشری دارد. هرگاه صحبت از خانواده می‌شود، به نقش و اهمیت زندگی و جریانی که در آن ساری است، اشاره می‌شود. در این میان، هر چه بیشتر جامعه به سمت خانواده و خانواده‌محوری سوق داده شود، به همان اندازه زندگی فردی و اجتماعی بالنده‌تر و پیش‌برنده‌تر خواهد شد.



صحنه‌های زندگی و حیات انسانی که در خانواده شکل می‌گیرد، همگی در رشد و سعادت انسانی مؤثرند؛ چرا که «همه چیزهایی که در زندگی یک جامعه به عنوان مسائل اساسی و خطوط اساسی مطرح است، در همین عنوان عرصه زندگی می‌گنجد؛ مثل امنیت، عدالت، رفاه، استقلال، عزت ملی، آزادی، تعاون، حکومت. لذا این‌ها همه زمینه‌های پیشرفت است» (خامنه‌ای، ۱۰ آذر ۱۳۸۹).

زندگی و خانواده در منطق اسلام، در نقطه مقابل حیات مادی است، که به دفعات مورد نکوهش شدید قرآن کریم قرار گرفته است؛ حیات جاریه معمولی در این دنیا از نظر قرآن، حیاتی ابتدایی است، و مرحله پست حیات به‌شمار می‌رود. این مطلب در ۶۹ آیه از قرآن تذکر داده شده و با تعبیر «الحیة الدنيا»<sup>۱</sup> که به معنای حیات ابتدایی می‌باشد، وارد شده است (جعفری، ۱۳۸۶: ۱۱۰).

در منطق قرآنی، زندگی حقیقی اشعار به مقام حیات طیبه است، مقامی که هدایت‌کننده انسان به حیاتی برتر و عارفانه است که آدمی را به‌عنوان اشرف مخلوقات به کمالات متعالی هدایت می‌کند. خدای متعال در تنها جایی که از حیات طیبه نام برده، این سبک زندگی را الهی و نجات‌بخش معرفی کرده است:

«مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ»؛ (نحل: ۹۷).

## ۲-۱-۴. ایمان و معنویت

یکی دیگر از شاخص‌های کلان الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، که به تعبیری در عمق این چهار ضلعی نورانی است، ایمان و معنویت است که همانند روحی مقوم در کالبد هستی است.

«ما بایستی این الگو را جوری تنظیم کنیم که نتیجه آن این باشد که جامعه ایرانی ما به سمت معنویت بیشتر پیش برود. باید برای همه روشن شود که معنویت نه با علم، نه با

۱. بقره: ۸۵؛ آل عمران: ۱۱۷؛ نساء: ۷۴؛ انعام: ۳۲؛ اعراف: ۵۱؛ توبه: ۳۸؛ یونس: ۲۳؛ رعد: ۲۶؛ ابراهیم: ۲۷ و...

سیاست، نه با آزادی، نه با عرصه‌های دیگر، هیچ منافاتی ندارد؛ بلکه معنویت، روح همه این‌هاست» (خامنه‌ای، ۱۰ آذر ۱۳۸۹).

بنابراین زمانی می‌توان به دنیای شایسته انسانی رسید که بتوان تطابق فطرت و وجدان را با عملکرد در مسیر درست آن مشاهده کرد. همان‌طور که انسان، مخلوقی قابل تکریم است - به میزانی بالاتر - این تکریم، متوجه وجوه شخصیتی اوست، که الهی است؛ لذا انسان نمی‌تواند بریده از مبدأ و معاد باشد؛ چراکه بدون ایمان و معنویت، زندگی جز در انگاره‌های نیهیلیستی معنایی ندارد.

قرآن کریم همین معنا را در تقابل حیات ایمانی و حیات مادی، در دو آیه زیر، چنین می‌فرماید:

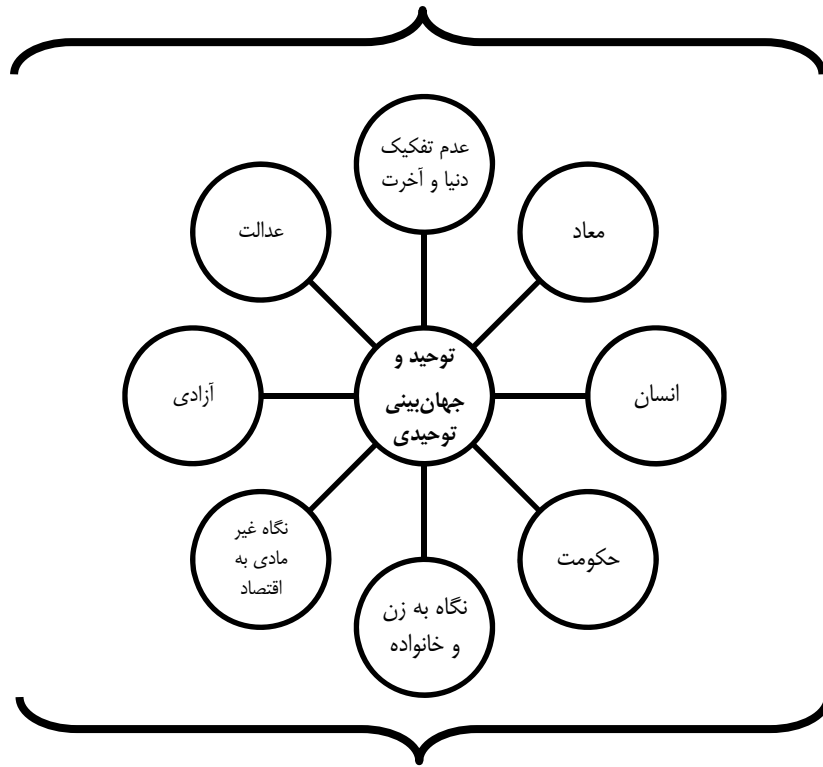
۱. «وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَعِبٌ وَلَهْوٌ وَلَلدَّارُ الْآخِرَةُ خَيْرٌ لِّلَّذِينَ يَتَّقُونَ أَفَلَا تَعْقِلُونَ» (انعام: ۳۲).

۲. «وَمَا هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَهْوٌ وَلَعِبٌ وَإِنَّ الدَّارَ الْآخِرَةَ لَهِيَ الْحَيَوَانُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ» (عنکبوت: ۶۴).

## ۲-۲. سنجه‌های محتوایی

مؤلفه‌های محتوایی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت در نه بخش طبقه‌بندی می‌شود، که در ادامه ضمن ترسیم نمودار آن، به تبیین هر یک از این سنجه‌ها پرداخته می‌شود. شاخص‌های اشاره شده، به معنای مطلق بودن آن‌ها - از منظر آیت‌الله خامنه‌ای - نیست؛ به نحوی که هیچ شاخص دیگری نتوان به این فهرست اضافه کرد بلکه تلاش شده شاخص‌های مورد اشاره ایشان که به‌طور مستقیم در ارتباط با الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، بیان شده، استخراج شود، نه همه شاخص‌های دیگری که در بیانات مختلف، اشاره داشته‌اند. به‌عنوان مثال از دیگر عناصر الگو می‌توان به رفاه، امنیت، کرامت انسانی، دین‌محوری، وحدت، مردم‌سالاری دینی، اقتدار همه‌جانبه، هویت اسلامی ایرانی، اعتماد به نفس ملی، عزت ملی، تعامل سازنده بین‌المللی، سرمایه و... اشاره کرد، که برگرفته از قانون اساسی، سند چشم‌انداز بیست‌ساله و برنامه‌های توسعه است (خوش‌چهره و حبیبی، ۱۳۹۱: ۲۴۲).

## نمودار شماره ۲: مؤلفه‌های محتوایی الگوی پیشرفت



منبع: (خامنه‌ای، ۱۰ آذر ۱۳۸۹).

## ۲-۲-۱. توحید و مبدأ خلقت

رکن اصلی ادیان توحیدی، توحید و مسئله آغاز است؛ لذا اولین مسئله‌ای که در الگوی پیشرفت به جهت محتوایی و زیرساختی باید در نظر گرفته شود، همین مطلب است. مطابق با مبانی قرآن کریم، توحید به بازگشت ثابت باز می‌گردد:

«إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ» (بقره: ۱۵۶).

دور بودن از توحید و فقدان جهان‌بینی توحیدی، علت‌العلل مصائب تاریخی بشر بوده، و امروز نیز چنین است. «مهم‌ترین مشکل دنیایی که امروز رنگین‌ترینش در غرب متجلی است، جدایی از خدا و اعتقاد به خدا و التزام به اعتقاد به خداست» (خامنه‌ای، ۱۰ آذر ۱۳۸۹).

### ۲-۲-۲. معاد و حساب و کتاب الهی

سنجه حیاتی دیگر، معاد و محاسبه عمیق و وسیع الهی است که قرآن کریم، کیفیت این محاسبه دقیق را در دو بعد عرشی و فرشی آن، چنین طرح می‌کند:

«فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ \* وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ» (زلزله: ۸-۷). منطق این وعده قطعی الهی را می‌توان در این آیه نورانی ردیابی کرد:

«وَمَا هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَهُوٌّ وَلَعِبٌ وَإِنَّ الدَّارَ الْآخِرَةَ لَهِيَ الْحَيَوَانُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ» (عنکبوت: ۶۴؛ انعام: ۳۲).

بنابراین وقتی «ما معتقدیم که هیچ عملی از بین نخواهد رفت و همه اعمال، محفوظ است و ما در آن زندگی واقعی - که حیوان واقعی و زندگی واقعی است - این اعمال را در مقابل چشمان خواهیم دید، آن وقت این جا اگر برای تکلیف، برای وظیفه یک چیزی را از دست دادیم، احساس خسارت نمی‌کنیم؛ ولو آن چیز جانمان باشد، ولو آن چیز عزیزان و فرزندانمان باشد. باید این‌ها جزو الگوی پیشرفت بیاید و در پیشرفت یک جامعه معنا پیدا کند» (خامنه‌ای، ۱۰ آذر ۱۳۸۹).

### ۳-۲-۲. تفکیک‌ناپذیری دنیا و آخرت

دنیا و آخرت دو واقعیت حقیقی است که اولاً در طول هم هستند و ثانیاً رابطه مقدمه و نتیجه‌ای به جهت منطقی و حقیقی بر آن‌ها حاکم است. در روایت مشهور نبوی اشاره به نقش کشت‌زاری دنیا برای آخرت شده است (ابن ابی‌جمهور، ۱۴۰۵، ج ۱: ۲۶۷).

بنابراین «آخرت ما آن روی سکه دنیای ماست... این جور نیست که حالا مثلاً فکر کنیم دنیا مثل بلیت‌های بخت‌آزمایی است؛ لذا آخرت، آن روی این دنیاست، [به تعبیر دیگر] آن روی این سکه است» (خامنه‌ای، ۱۰ آذر ۱۳۸۹).

### ۴-۲-۲. انسان در اسلام

از سنجه‌های مهم دیگر که محل مناقشه‌های فراوانی در طول تاریخ بوده و همواره مستمسکی برای استفاده‌های ابزاری بوده است، مسئله انسان و رویکردهای انسان‌شناسی است.

این مطلب تا آن جا مبهم بوده است، که متفکرانی مانند آلکسیس کارل<sup>۱</sup> فرانسوی پس از سال‌ها تحقیق و تفحص در فلسفه زندگی و تأسیس مؤسسه انسان‌شناسی، به این نتیجه رسیدند که: انسان، موجود ناشناخته است؛ به تعبیری به نتیجه عجز و ناکامی در شناخت انسان رسیدند و منجر به ارائه نشانی‌های غلطی شد که به انسان‌گرایی‌های متقدم و متأخر می‌رسد.

انسان پیچیده‌ترین مخلوق الهی است که از نظر جسمی و به طریق اولی از حیث روحی و روانی، مملو از پیچیدگی‌های ناشناخته در تمام اعصار بوده است؛ و البته با رعایت و شناخت قواعد توحیدی در اسلام ناب، این معرفت، قابل حصول و درک و شهود خواهد بود.

«این موضوع در اسلام خیلی معنای وسیعی دارد. لذا انسان اسلامی با انسانی که در فلسفه‌های مادی غرب و پوزیتیویسم قرن نوزده مطرح است، به کلی متفاوت است. این یک انسان است، آن یک انسان دیگر است؛ اصلاً تعریف این دو انسان یکی نیست. بنابراین محوربودن انسان هم در اسلام، با محوربودن انسان در آن مکاتب مادی به کلی متفاوت است» (خامنه‌ای، ۱۰ آذر ۱۳۸۹).

قرآن مقام انسان را برخوردار از موهبت کرامت می‌داند. لذا انسان در اسلام، شایسته تکریم و البته شناخت است:

«وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبُرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلاً» (اسراء: ۷۰).

## ۲-۲-۵. حکومت و فقه حکومتی

از مهم‌ترین سنجه‌های محتوایی که سرلوحه کار انبیای الهی در طول تاریخ بوده است، تشکیل حکومت و حکومت‌داری است، که همواره اجرا و تحقق برنامه‌های الهی منوط به تشکیل و تقویت آن است.

مطابق با مبانی قرآن کریم، از جمله اولین امور پس از به قدرت‌رسیدن و تشکیل

1. Alexis Carrel

حکومت، رعایت حدود الهی و اقامه واجبات دینی و فروعیات شرع مبین است؛ لذا حاکمان را چنین توصیف می‌نماید:

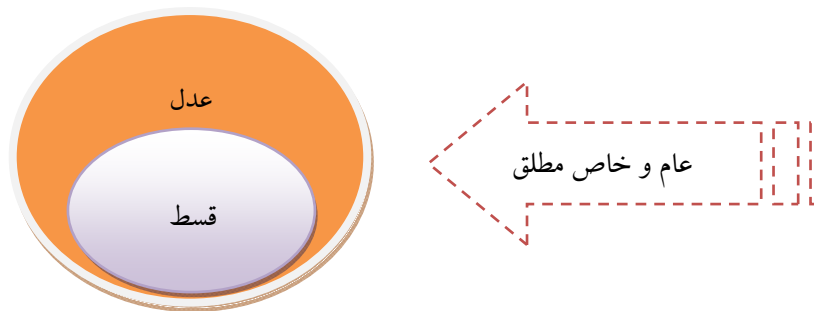
«الَّذِينَ إِنْ مَكَانَهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَ لِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ» (حج: ۴۱).

شایان ذکر است، در موضوع حکومت‌داری نیز به حسب کیفیت اعتدالی و همه‌جانبگی دین مبین، صلاح فردی و اجتماعی به‌طور توأمان مورد نظر است. بنابراین «صلاح فردی در امر حکومت در اسلام، یک امر بسیار مهم و اساسی است. هر کسی به هر اندازه‌ای از مدیریت که می‌خواهد مباشرت کند، بایستی صلاحیت آن را در خودش به وجود بیاورد یا در خودش ببیند و بپذیرد. بدون این، عمل نامشروعی انجام داده است؛ چرا که عدم علو، عدم اسراف و عدم استتار<sup>۱</sup> مسئله مهمی در امر حکومت است» (خامنه‌ای، ۱۰ آذر ۱۳۸۹).

## ۲-۲-۶. عدالت و قسط

عدل و قسط با توجه به معنای خاص هر کدام و ارتباط عموم و خصوص مطلق<sup>۲</sup>، از مهم‌ترین سنجه‌های مورد توجه در الگوی پیشرفت در منطق اسلام است.

### نمودار شماره ۳: رابطه عدل و قسط



منبع: (به نقل از منصورنژاد و زمانی محبوب، ۱۳۹۲: ۷۹).

۱. همه چیز را برای خود خواستن (در مقابل ایثار).
۲. قسط، اجرا و تحقق عدل است، و پیامدش نیز تطبیق عدل بر موارد و جایگاه‌های خارجی‌اش است. هم‌چنین قسط، عدلی است که ظهور یافته و محسوس گشته، و از همین رو است که ترازو کردن اشیا را قسط می‌گویند؛ چون عدل و تعادل را به صورت آشکارا نمایش می‌دهد (عسکری، ۱۳۹۰: ۴۲۸).

عدل در قرآن کریم به‌عنوان هدف مقدمه‌ای یا هدف متوسط در طول هدف غایی - توحید - است و بارها در آیات و روایات به اهمیت آن اشاره شده است. قرآن کریم در این رابطه می‌فرماید:

«لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنَافِعٌ لِلنَّاسِ وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ مَن يَنْصُرُهُ وَرُسُلَهُ بِالْغَيْبِ إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ» (حدید: ۲۵). در حدیث نبوی ﷺ نیز چنین آمده است:

«بِالْعَدْلِ قَامَتِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضُ» (ابن ابی‌جمهور، ۱۴۰۵، ج ۴: ۱۰۳).

بنابراین مسئله عدالت بسیار مهم است؛ البته رسیدن به رشد و توسعه همراه با عدالت، که الگوی توسعه ایرانی اسلامی نیز بر آن تأکید خواهد کرد... دارای ظرافت است و به طراحی، ابتکار، خلاقیت و کار نیاز دارد. از یک طرف باید سیاست‌گذاری کنند و از طرف دیگر، برنامه‌ریزی و آمارگیری و سپس نتیجه آن را در جامعه بررسی کنند (پایا، ۱۳۸۸: ۵۱).

لذا «یکی از ارکان اصلی این الگو باید حتماً مسئله عدالت باشد. اصلاً عدالت معیار حق و باطل حکومت‌ها است؛ یعنی در اسلام اگر چنانچه شاخص عدالت وجود نداشت، حقانیت و مشروعیت زیر سؤال است» (خامنه‌ای، ۱۰ آذر ۱۳۸۹).

## ۲-۲-۷. آزادی

آزادی به معنای رهانیدن خود از همه وابستگی‌های دست و پاگیری است، که مانع رشد و کمال آدمی است.

قرآن کریم در یکی از آیات شریفه - که نزدیک‌ترین تبیین از مفهوم آزادی است - می‌فرماید: «الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ يَأْمُرُهُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيَجْلُ لُهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَيَحْرِمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ» (اعراف: ۱۵۷).

لذا آزادی در منطق قرآنی، غیر از ولنکاری و هرج و مرج است؛ بلکه آزادی حقیقی، آزادی معنوی است که زمینه‌ساز جهش هدفمند به سمت تکامل و حرکت در مسیر عبودیت است. این چنین آزادی از اغیار است که موجب تعین بندگی خواهد شد؛ چرا که وابستگی

به خدا و آزادی از غیر خدا، اوج مقام و معنای آزادی است، که زبان سخن، چنین است: حافظ از جور تو حاشا که بگرداند / من از آن روز که دربند توام آزادم<sup>۱</sup>

نکته تحلیلی دیگر، که ماحصل تتبع انجام شده بود، این که آزادی در منطق اسلامی، حق نیست؛ لذا هیچ کس به عنوان این که آزاد است، حق ندارد خودکشی کند و یا به حقوق دیگران تجاوز کند. آنچه حق به شمار می‌رود، حق حیات است.

حقی به معنی حق آزادی نداریم. آنچه هست - که ریشه همه حقوق است - این است که هر کس استحقاق دارد که استعدادها و وجودش، به فعلیت برسد و به کمال برسد؛ اما این که هر کس حق دارد که اراده‌اش آزاد باشد و میلش آزاد باشد، نه [چنین چیزی نداریم] (مطهری، ۱۳۸۹: ۳۰۵). لذا آزادی به همراه تکلیف خواهد بود و مسئولیت‌آور است، نه این که مروج دورشدن از ضوابط باشد.

«آزادی را از دیدگاه یک تکلیف باید نگاه کنیم. این جور نیست که بگوییم آزادی چیز خوبی است؛ اما من این چیز خوب را نمی‌خواهم. نمی‌شود، باید انسان به دنبال آزادی باشد؛ هم آزادی خود و هم آزادی دیگران؛ نباید اجازه بدهد که کسی در استضعاف و ذلت و محکومیت باقی بماند» (خامنه‌ای، ۲۳ آبان ۱۳۹۱).

## ۲-۲-۸. نگاه به زن و خانواده

هر جا از زندگی و خانواده در اسلام بحث شود، نمی‌توان از نگاه اسلام به زن، غفلت کرد. نگاه دین مبین به زن، نگاهی انسانی و درجه یک و با شخصیت مستقل برای زنان است. در آیات و روایات متعددی این مطلب بیان شده است که با جست‌وجویی ساده می‌توان به فهرستی عمیق از این نشانی‌ها رسید.

امیرالمؤمنین علی ۷ زن را گلی معرفی می‌کند که نیازمند حمایت، محبت و مواجهه هم‌سطح است، به نحوی که هر چقدر بتوان لطافت و خلوص زنان را در مسیر کمال الهی قرار داد، هیچ نقطه ضعفی برای لقاءالله نسبت به مردان، ندارند: «فَإِنَّ الْمَرْأَةَ رَيْحَانَةٌ وَكَيْسَتْ بِفَهْرَمَانَةٍ» (نهج البلاغه، نامه ۳۱).

۱. حافظ، ۱۳۶۲: غزل ۳۱۶.



بنابراین «زن بودن، برای زن یک نقطه امتیاز است، یک نقطه افتخار است. این افتخاری نیست برای زن که او را از محیط زنانه، از خصوصیات زنانه، از اخلاق زنانه دور کنیم» (خامنه‌ای، ۳۱ تیر ۱۳۹۱).

مسئله زن و ارزش‌گذاری زن در اسلام، در برخی نمونه‌های تاریخ اسلام و داستان‌های قرآنی نیز قابل مشاهده است که می‌توان به فاطمه زهرا (ع)، خدیجه (ع)، زینب کبری (ع)، مریم (ع) و آسیه (ع) اشاره کرد؛ نمونه‌های درخشانی که نشان می‌دهند مسیر کمال در اسلام، مبتنی بر نگاه جنسیتی نیست.

لذا زنان نیز می‌توانند الگوی تاریخ شوند تا آن‌جا که قرآن کریم، مریم بنت عمران را صاحب مقامی معرفی می‌کند، که پیامبر عصر خویش - زکریای نبی ۷ - آرزوی فرزندى مثل او می‌کند (سوره آل عمران: ۳۷-۳۸).

نتیجه آنکه «اسلام می‌خواهد که رشد فکری و علمی و اجتماعی و سیاسی - و بالاتر از همه - فضیلتی و معنوی زنان، به حد اعلی برسد و وجودشان برای جامعه و خانواده بشری به‌عنوان یک عضو، حد اعلای فایده و ثمره را داشته باشد» (خامنه‌ای، ۲۶ دی ۱۳۶۸)؛ چرا که «زن مجاهد مسلمان ایرانی، معلم ثانی برای زنان جهان خواهد بود، پس از معلم اول، که زنان مجاهد صدر اسلام بودند» (همو، ۱۶ اسفند ۱۳۹۱).

## ۲-۲-۹. اقتصاد و نگاه به ثروت در اسلام

اقتصاد و نظام اقتصادی در اسلام یکی از مهم‌ترین سنجه‌های محتوایی است که هر چند روبنا است؛ اما نقش بسیار اثرگذاری در رشد و توسعه جامعه به سمت اهداف والا دارد. هر چقدر جامعه‌ای به سمت رفاه و آبادانی بیشتر حرکت کند، زمینه‌های آرامش و طمأنینه برای دریافت معارف الهی و علم نافع، مهیاتر خواهد شد. برای همین است که در کلام نبوی (ع)، فقر اقتصادی به شدت نکوهیده شده است: «كَادَ الْفَقْرُ أَنْ يَكُونَ كُفْرًا» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲: ۳۰۷).

بنابراین معیار و ملاک اقتصاد در منطق اسلامی، چرخش متناسب مبتنی بر نظام تولید، توزیع و مصرف عادلانه است، که با شاخص توازن - نه تساوی - تبیین می‌شود:

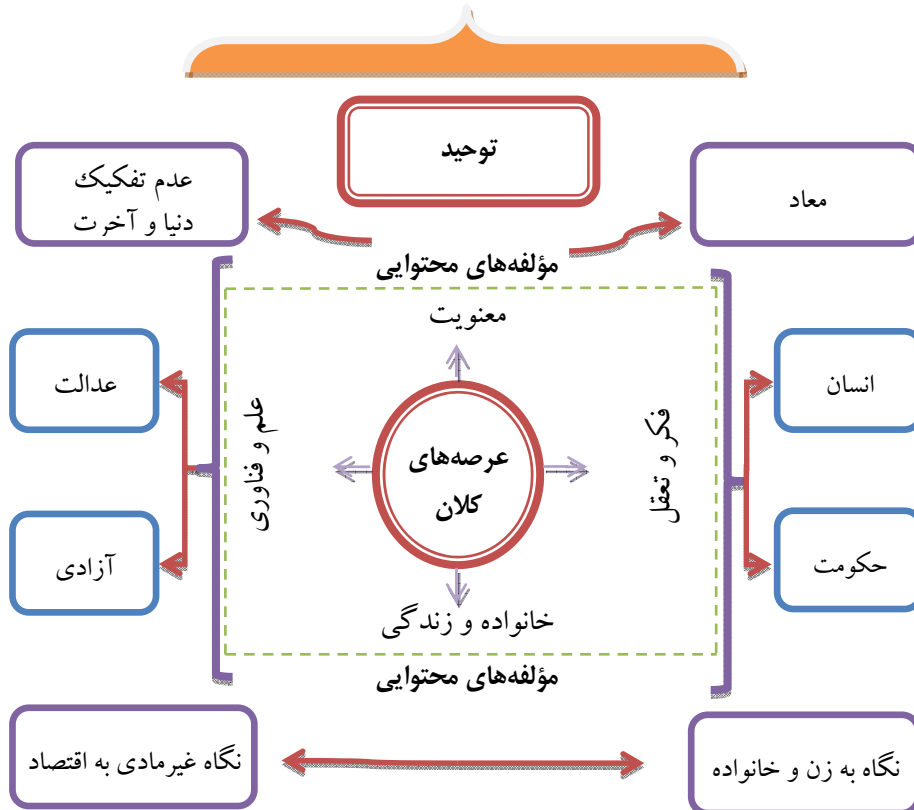
«مَا أَفَاءَ اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ مِنْ أَهْلِ الْقُرَى فَلِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ

وَإِنَّ السَّبِيلَ كَى لَا يَكُونُ دُولَةً بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ مِنْكُمْ» (حشر: ۷).

«مسئله دیگر، نگاه غیر مادی به اقتصاد است. بسیاری از این مشکلاتی که در دنیا پیش آمده، به خاطر نگاه مادی به مسئله اقتصاد و مسئله پول و مسئله ثروت است. می‌توان این نگاه را تصحیح کرد. اسلام برای ثروت اهمیت قائل است... منتها با نگاه الهی و معنوی. نگاه الهی و معنوی این است که از این ثروت برای فساد، برای ایجاد سلطه، برای اسراف نباید استفاده کرد؛ از این ثروت بایستی برای سود جامعه بهره برد» (خامنه‌ای، ۱۰ آذر ۱۳۸۹).

### ۳. طراحی الگوی پژوهش و یافته‌ها

نمودار شماره ۴: الگوی پژوهش



منبع: (ترکیب نمودار ۲ و ۱)

همان‌طور که در توضیح سنجه‌های کلان و محتوایی اشاره شد و کلیت آن‌ها در الگوی بالا قابل مشاهده است، الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، متکی به کلیت کلان اربعه (معنویت، عقلانیت، علم و خانواده) است، که در سنجه‌های محتوایی نه‌گانه (توحید، معاد، تفکیک‌ناپذیری دنیا و آخرت، انسان، عدالت، حکومت، آزادی، زن و اقتصاد) ارائه می‌شود.

نکته قابل توجه، این که سنجه‌های کلان و محتوایی به نوعی پشتوانه سخت‌افزاری و نهادی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت است که در قالب الگوی بالادستی ارائه می‌شود؛ و تفریع و استخراج هر الگویی ناظر به واقعیت‌ها و نیازهای جامعه در مسیر پیشرفت همه‌جانبه و تکامل، در قالب الگوهای پایین‌دستی در تمامی علوم و نیازهای جامعه اسلامی خواهد بود که در سطح نرم‌افزاری و تحلیلی ارائه خواهند شد.

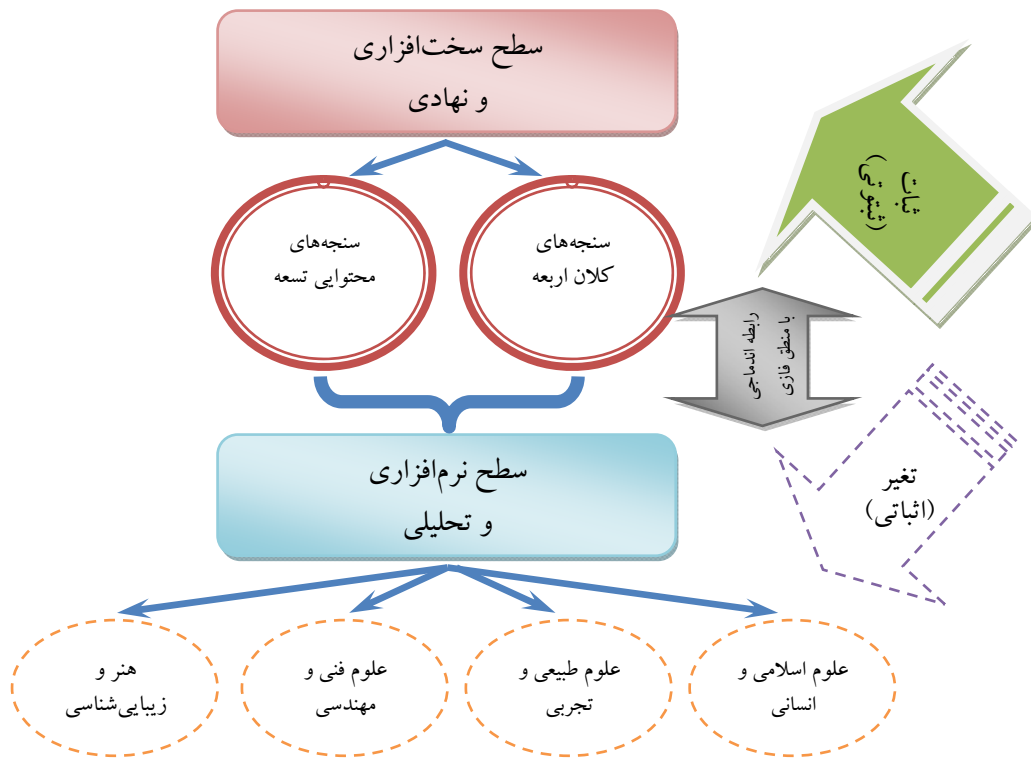
بنابراین ارتباط سنجه‌های نهادی با الگوهای تحلیلی، ارتباطی مندمج و توأمان است که از نقطه شروع تا رصد مداوم، در مدار حرکت جوهری قرار می‌گیرد، به این نحو که سطح نهادی، الگویی واحد و مبتنی بر اصول لایتغیر در تمامی ازمه و امکان و مطابق با خواست فطری است و سطح تحلیلی مقتضی شرایط و عرف و نیازهای متنوع هر عصری است، که روش‌ها و ساختار متناسب با خود را می‌طلبد.

مطابق با این تبیین، پاسخ اصلی این پژوهش به همین نحو ارائه می‌شود که در دو سطح بالا توضیح داده شد. لذا هر دو فرضیه - به نوعی و بنا به تبیینی مقتضی خود - در این تحلیل شامل می‌شود و البته فرضیه دوم، بیشتر تقویت می‌شود؛ چرا که نزدیک‌تر به یافته‌ها است، هر چند با تفکیک دو سطحی پژوهش مبتنی بر ترابط اندماجی، می‌توان فرض اثباتی پژوهش را به این گونه بیان کرد، که: الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت در سطح نهادی ثابت و بالطبع واحد و مبتنی بر شاخص‌های برآمده از اسلام ناب است. در سطح تحلیلی نیز، متغیر و متناظر با نیازها و مقتضیات متنوع جامعه است. در این بخش، الگو به صورت چندوجهی است. لذا سطح نهادی در مقام ثبوت است و سطح تحلیلی در مرتبه اثبات است و به تعبیر شهید صدر:

«مقام الاثبات [ای ما یفیده اللفظ] و مقام الثبوت [ای ما اراده المتکلم]» (صدر، ۱۳۸۷: ۲۵۳)؛

مقام ثبوت؛ یعنی مقام واقع و نفس الامر...؛ یعنی آن اراده و قصدی که در واقع، ثابت است و مقام اثبات؛ یعنی مقام کشف و کلام متکلم، کاشف از قصد او است. بنابراین پوشش تکاملی الگو، در ترابط مفهومی دو سطحی است با ارتباطی زنجیره‌ای و اندماجی، مطابق با نمودار زیر:

نمودار شماره ۵: ترابط مفهومی (رابطه اندماجی) سطوح نهادی و تحلیلی



منبع: (پژوهش نویسندگان)

حلقه واسطه و نکته اصلی نمودار، توجه و تأکید بر درک دو کلیدواژه ثبات و تغییر است که در عین انطوای این تغییر در ثبات، هر کدام قواعد خاص خود را دارند، لذا

قوامیت مقوله با منطق فازی<sup>۱</sup> متکی بر ترابط اندماجی، تبیین می‌شود.

«نسبة اندماجیة [دمج الشيء فی الشيء ای دخل واستحکم فيه] ای یندمج فیها الوصف بالموصوف علی نحو یصبح المجموع مفهوماً واحداً خاصاً وحصّة خاصّة [مقیده]» (صدر، ۱۳۸۷: ۲۰۹)؛ [در اصطلاح می‌گوییم ربط و نسبت بر دو قسم است: نسبت اندماجی و نسبت غیر اندماجی]. نسبت اندماجی در مرکب‌های غیر اسنادی یافت می‌شود. اندماج به معنای پیوستگی و انضمام است.

مبنای این ترابط مندمج‌گون، بر قوامیت نظریه وحدت در کثرت و کثرت در وحدت، قویم می‌شود که نقطه عطف درک دو مفهوم [ثبات و تغییر] با نقش‌آفرینی منطق فازی است.

در منطق فازی همه مفاهیم به صورت تشکیکی لحاظ می‌شوند. اساساً منطق فازی به استدلال با مفاهیم فازی تعریف می‌شود (کاسکو، ۱۳۷۷: ۱۵۱). به تعبیر دیگر، معتقدین بر این اعتقادند، که منطق فازی بر پایه اصل زیر است: همه چیز تشکیکی [درجه‌ای] است (Kasko, 1993, p. 1&18).

بنابراین، نیازمند درک ثبات و تغییر، منطوی در تشکیک، در عین چندگونگی و تنوع، و نگاه صفر و یکی نداشتن است، به نحوی که در هم تنیدگی و ارتباط مفهومی میان این دو - در عین وحدت و کثرت - در ترابط اندماجی هم‌چون دو روی یک سکه، دانسته شود.

شایان ذکر است، که ثبات غیر از سکون است؛ تغییر و تغیر نیز به معنای بی‌هویتی نیست که این مباحث، ذیل حرکت جوهری در فلسفه اسلامی و به شرح حکمای صدرایی، به خوبی تبیین شده است.<sup>۲</sup>

#### 1. Fuzzy Logic

نکته: این نگرش، اولین بار در سال ۱۹۶۵ میلادی توسط پروفیسور لطفی‌زاده، طی مقاله‌ای تحت عنوان مجموعه‌های فازی، مطرح شد. (ر. ک: حسین‌زاده یزدی، ۱۳۸۷: ۱۲۲).

۲. ر. ک: به «الحکمة المتعالیة فی الأسفار العقلیة الأربعة» صدر المتألهین شیرازی، «اصول فلسفه و روش رئالیسم»، سید محمدحسین طباطبایی، «شرح اسفار»، مرتضی مطهری و...

## نتیجه‌گیری

اکنون که جنبه‌های مختلف الگو مورد بررسی قرار گرفت، به استنباط راهبردی می‌پردازیم. با توجه به تصریحات عقلی و نقلی، که به برخی از مستندات در این پژوهش اشاره شد، راه اسلام، راه حق است و نمی‌توان مسیرهای مختلف را منتهی به سعادت و تعالی انسان نامید؛ چون در این صورت دچار کثرت‌گرایی می‌شویم.

اگر این چنین بود، چه لزومی بر آمدن این تعداد پیامبران الهی بود؛ چرا که هر کس مسیری را که فکر می‌کرد صحیح است، می‌پیمود و در انتها به سعادت می‌رسید؛ در صورتی که مسیرها گاهی اوقات با هم در تناقض هستند؛ در نتیجه اسلام آمده است تا راه حق، که تنها یک مسیر بیشتر نیست را به انسان نشان دهد و آن مسیر، بندگی و عبودیت است.

پس نتیجه می‌گیریم اسلامی که قرار است مبنای الگو باشد، خود، یک الگوی مادر است که در رأس همه حالت‌های مختلف است که تمامی الگوها ذیل آن تعریف می‌شوند. از طرفی، این الگوی پیشرفت، می‌بایست هم‌چون اسلام که دارای محکماتی است و اصولی دارد که غیر قابل تغییر است و هم‌چنین دارای فروعی است که امکان تغییر با شرایط زمان را دارند، به این صورت طراحی شود؛ چرا که اسلام به همین صورت تاکنون پویا و پایدار مانده است و موجب هدایت انسان‌ها شده است.

لذا الگوی پیشرفت هرگاه در ذیل اسلام ناب تبیین و ترسیم شود، مانایی و پایایی لازم را در عین انعطاف با عنایت به درک اصول ثابت و متغیر و بحث وحدت و کثرت، خواهد داشت. در نتیجه باید از تمام جنبه‌های اسلام برای آن استفاده کرد تا الگویی طراحی شود که علاوه بر این که واحد است، قابلیت انعطاف نیز داشته باشد و بتواند خود را با شرایط تمام نقاط این کره خاکی هماهنگ کند که طبعاً برای هر کشوری متناسب با اقتضانات فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و بافت مذهبی و اعتقادی آن، تفاوت‌های ساختاری و سخت‌افزاری لحاظ خواهد شد.

بیان این نکته نیز لازم است که این الگو به هر صورتی جز این طراحی شود، پاسخ‌گوی نیازهای فطری، متنوع و متکثر بشری نخواهد بود؛ چون اصول اسلامی و این الگوی پیشرفت در بخش مبانی، بر اساس حقایق نیاز بشری است که هرگز تغییر نمی‌کند. از طرف

دیگر، شرایط متفاوت زمان، ایجاب می‌کند که این الگو قابل انعطاف باشد؛ یعنی روش‌های متفاوتی بر اساس آن اصول، طراحی شود که باعث پیشرفت شود.

اگر به زندگی ائمه اطهار<sup>ع</sup> نگاهی داشته باشیم، متوجه این موضوع می‌شویم که ایشان علاوه بر این که نمود واقعی اسلام ناب بودند و به‌طور تمام و کمال قواعد و مبانی اسلام را - تا حدی که شرایط و زمانه اجازه می‌داد - اجرا می‌کردند، در عین حال با توجه به شرایط متفاوت زمان خود، رفتار و عملکرد مخصوصی را در پیش می‌گرفتند که با وجود مشکلات فراوان در طی مسیر، باز هم الگوهای تمام‌عیار برای انسان‌ها و جوامع - از ازل تا ابد - هستند. نمونه این سیره را می‌توان در وحدت در هدف و تفاوت روشی امام حسن و امام حسین <sup>ع</sup> مشاهده کرد.

در این برهه از زمان، که بیش از سه دهه از عمر انقلاب کبیر اسلامی سپری شده است، وقت آن رسیده تا با استفاده از منابع غنی - مادی و به‌خصوص معنوی و انسانی - که وجود دارد، تمام اصولی که برای پیشرفت نیاز است، بررسی و پالایش شود تا این الگو با بنانهادن اصول در عالی‌ترین سطح، پایه‌ریزی شود.

مقام تحقق و متعین شدن این الگو - در اصل - همان حاکم شدن اسلام ناب در تمامی لایه‌های پیدا و نهان جامعه است - مقام وحدت - که البته این وضع، مقتضی توان بشری در عصر غیبت خواهد بود؛ چرا که توقع ساخته شدن الگویی بی‌نقص، بر ساخته از فهم دقیق و اکمل از اسلام ناب است که در زمان حکومت امام عصر <sup>ع</sup> 7 تعیین خواهد یافت.

در مرحله بعد و پس از درک حصولی و معرفت به قواعد اصولی و لایتغیر و هم‌چنین شناخت مقتضیات زمانی و مکانی، نوبت به متخصصان و علمایی می‌رسد که در حوزه‌های تخصصی خود، شروع به طراحی و ساختارسازی - در مقام کثرت - خواهند کرد؛ به گونه‌ای که در عین تمسک به همان اصول ذکر شده، سعی می‌کنند بهترین نوع ساختار و روش را بر اساس آن اصول و متناسب با شرایط جامعه طراحی کنند.

الگوهایی که در حوزه‌های علوم انسانی و اسلامی، علوم فنی و مهندسی، علوم طبیعی و تجربی، کشاورزی و صنعت، هنر و زیبایی‌شناسی و... در زمین و دریا و آسمان در سطح نرم‌افزاری و تحلیلی و در مقام اثباتی، ذیل بنیان‌های معرفتی و شاخص‌های کلان و محتوایی الگوی پیشرفت در سطح سخت‌افزاری و نهادی و در مقام ثبوتی، تفریع و

استخراج می‌شوند و در جامعه - با منطق فازی ذیل ترابطی اندماجی - به مرحله اجرا و بروز خواهند رسید.

البته که تمامی این الگوها در صورتی ثمربخش خواهند بود، که ناظر به واقعیت‌های جامعه، کاربردی و عام باشد و شمولیت در عین حقیقی بودن، از دیگر ویژگی‌های آن باشد. لذا این الگو بر اساس اسلام ناب طراحی خواهد شد، که به مهم‌ترین شاخص‌های عملیاتی و محتوایی آن از منظر آیت‌الله خامنه‌ای، اشاره شد.

شیعیان، پنج اصل را به‌عنوان اصول دین خود قرار داده‌اند: توحید، نبوت، معاد، امامت و عدل؛ یعنی هر کس و هر جامعه‌ای به‌طور صحیح، این اصول پنج‌گانه را درک کند و در زندگی و جامعه خود اجرا کند، به سعادت رسیده است؛ چرا که این‌ها اصول دین است و اگر هر کدام نادیده گرفته شوند، این الگو نیز به‌صورتی ناقص طراحی شده است.

وقتی این موارد به‌عنوان اصول قرار گرفت، ساختار و روش‌ها نیز بر اساس این اصول طراحی می‌شوند که در این مرحله می‌توان روش‌های متفاوتی ارائه داد. همان‌طور که این اصول، درست و حق هستند، راه رسیدن به این اصول نیز باید درست و با عدالت و تأمین تمامی سنجه‌های پیش‌گفته همراه باشد؛ چون اگر حتی با پیمودن مسیرهای اشتباه به این نوع پیشرفت رسید، باز هم به خطا رفته‌ایم. در منطق اسلامی، هدف، وسیله را توجیه نمی‌کند. در وضعیت کنونی، نمونه‌ای که می‌توان از آن نام برد و بر اساس اصول اسلامی طراحی شده است، ساختار کشف ولی فقیه است که تا حد زیادی بحث امامت و ولایت از اصول اسلامی را در جامعه گسترش داده است؛ اما سایر مقوله‌های ساختاری، روش‌ها و الگوها در تمامی سطوح هنوز به پختگی و بلوغ و تفریح لازم نرسیده‌اند.

به نظر می‌رسد اگر این الگو، مطابق با تمامی ضوابط و معیارهای صحیح آن، طراحی شود به نحوی که در لایه‌های مختلفی، الگوهای پایین‌دستی مطابق با مقتضیات زمان و مکان و شرایط فرهنگی، اجتماعی و بافت سیاسی، اعتقادی تفریح شوند و همه الگوها ناظر به سنجه‌های راهبردی الگوی بالادستی پیشرفت ناظر به اصول ثابت اسلامی باشد، نیازمند تغییراتی در بالاترین سطوح مدیریتی کشور - برنامه‌ریزی و ساختارسازی و کار گروهی - است و ظاهراً برای نیل به این مقصود، تغییراتی در قانون اساسی و قوانین موضوعه کشور محتمل خواهد بود.



البته شاید هنوز ظرفیت این تغییر و تحول در بخش عمده‌ای از لایه‌های کشور، وجود نداشته باشد که می‌توان با طراحی مرحله‌ای با اصلاحات ساختاری و روشی شروع کرد و در مراحل بعد که مصادف با تفریع الگوهای پایین‌دستی ناظر به سنجه‌های راهبردی الگوی بالادستی پیشرفت خواهد بود، به ترتیب به تغییر، تحول و در نهایت انقلاب درونی - به معنای ساختاری و روشی - پرداخت که موجب ظرفیت‌سازی‌های محتوایی و روشی نیز خواهد شد.

نتیجه کلی پژوهش که چکیده‌ای از توضیحات این بخش است، این‌که: در آن دسته اموری که دین مبین، جزو ثابتات و امور ثابت قرار داده، الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، واحد است و در مقام وحدت در کثرت است و در خصوص آن دسته از اموری که جزو متغیرات است و تابع مقتضیات زمان و مکان الگویی چندوجهی است که کثرتی در عین وحدت، به همراه دارد. ترابط مفهومی این دو سطح نیز با قوامیت رابطه اندماجی با درک معنایی منطق‌فازی شکل می‌گیرد.

با توجه به این پژوهش و نتایج آن، به نظر می‌رسد در حوزه‌های دیگری نیاز به پردازش محتوای پیشرفت کلان خواهیم بود که می‌توان به عناوین برخی از آن‌ها اشاره کرد:

۱. تبیین مفهومی و عملیاتی الگوهای پایین‌دستی پیشرفت در منطق اسلامی ناظر به الگوی بالادستی شاخص‌مند؛
۲. بررسی ارتباط جنبه‌های الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت در علوم انسانی و سایر علوم؛
۳. طراحی جنبه‌های عملیاتی تعیین‌سازی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت در حوزه‌های ثابت و متغیر؛
۴. تحلیل انتقادی پیشرفت، توسعه و رفاه در معنای رایج و بررسی ارتباط این مفاهیم در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛
۵. پردازش فلسفی جایگاه نظام جامع حکمت متعالیه در الگوی اسلامی پیشرفت و بررسی تأثیرات و تأثرات آن.

## کتابنامه

- \* قرآن کریم.
- \* نهج البلاغه.
۱. ابن‌ابی‌الحدید، عبدالحمید بن هبة‌الله (۱۴۰۴)، شرح نهج البلاغه لابن‌ابی‌الحدید، تحقیق و تصحیح: محمد ابوالفضل ابراهیم، قم: مکتبه آیه‌الله المرعشی النجفی.
  ۲. ابن‌ابی‌جمهور، محمد بن زین‌الدین (۱۴۰۵)، عوالی اللئالی العزیزیه فی الأحادیث الدینیة، تحقیق و تصحیح: مجتبی عراقی، قم: دار سیدالشهداء 7 للنشر.
  ۳. برقی، احمد بن محمد (۱۳۷۰)، المحاسن، تهران: دارالکتب الإسلامیه.
  ۴. پایا، علی (۱۳۸۸)، «آیا الگوی توسعه ایرانی اسلامی دست‌یافتنی است؟»، در: روش‌شناسی علوم انسانی، ش ۶۰.
  ۵. جعفری، محمد تقی (۱۳۸۶)، فلسفه و هدف زندگی، تهران: انتشارات مؤسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری.
  ۶. حافظ شیرازی، شمس‌الدین محمد (۱۳۶۲)، دیوان حافظ، تهران: انتشارات خوارزمی.
  ۷. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹)، وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة، چاپ اول، قم: انتشارات مؤسسه آل‌ال‌بیت .:
  ۸. حسین‌زاده یزدی، مهدی (۱۳۸۷)، «جستاری در مبانی معرفتی منطق فازی»، در: پژوهش‌های فلسفی - کلامی، ش ۴.
  ۹. خطیب بغدادی، احمد بن علی (۱۳۹۵)، الرحلة فی طلب الحدیث، بیروت: دارالکتب العلمیه.
  ۱۰. خوش‌چهره، محمد و نیک‌بخش حبیبی (۱۳۹۱)، «اصول پایه‌ای و عناصر کلیدی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت از منظر اسناد فرادستی نظام جمهوری اسلامی ایران»، در: راهبرد، ش ۶۲.

۱۱. دانایی‌فرد، حسن و سید مجتبی امامی (۱۳۸۶)، «استراتژی‌های پژوهش کیفی: تأملی بر نظریه‌پردازی داده بنیاد»، در: اندیشه مدیریت راهبردی، ش ۲.
۱۲. دانایی‌فرد، حسن، سید مهدی الوانی و عادل آذر (۱۳۹۲)، روش‌شناسی پژوهش کیفی در مدیریت: رویکردی جامع، تهران: انتشارات صفار.
۱۳. صدر، سید محمد باقر (۱۳۸۷)، قواعد کلی استنباط، ترجمه و شرح حلقه اول از دروس فی علم الاصول، ترجمه و شرح: رضا اسلامی، قم: مؤسسه بوستان کتاب.
۱۴. طاهری، مهدی (۱۳۹۰)، «ولایت‌مداری در الگوی پیشرفت سیاسی اسلامی ایرانی»، در: معرفت سیاسی، ش ۲.
۱۵. عسکری، ابوهلال حسن بن عبدالله (۱۳۹۰)، فرهنگ واژگان مترادف (ترجمه معجم الفروق اللغویة)، ترجمه: مهدی کاظمیان و زهرا رضاخواه، تهران: انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۱۶. کاسکو، بارت (۱۳۷۷)، تفکر فازی، ترجمه: علی غفاری، عادل مقصودپور، علیرضا پورممتاز و جمشید قسیم، تهران: انتشارات دانشگاه خواجه نصیرالدین طوسی.
۱۷. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق (۱۴۰۷)، الکافی، بتحقیق و تصحیح: علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۱۸. متقی هندی، علاءالدین علی (۱۴۱۳)، کنز العمال فی سنن الأقوال والأفعال، بیروت: مؤسسة الرساله.
۱۹. مصباح یزدی، محمد تقی (۱۳۸۹)، درباره پژوهش، تدوین و نگارش: جواد عابدینی، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی .;
۲۰. مطهری، مرتضی (۱۳۸۹)، یادداشت‌های استاد مطهری (۱۰)، چاپ دوم، تهران: انتشارات صدرا.
۲۱. \_\_\_\_\_ (۱۳۹۰)، اصول فلسفه و روش رئالیسم (۲)، چاپ نوزدهم، تهران: انتشارات صدرا.
۲۲. \_\_\_\_\_ (۱۳۹۱)، اصول فلسفه و روش رئالیسم (۵)، چاپ هفدهم، تهران: انتشارات صدرا.

۲۳. منصورنژاد، محمدو حبیب زمانی محجوب (۱۳۹۲)، «نسبت توسعه و عدالت در سه گفتمان لیبرالیسم، سوسیالیسم و اسلام»، در: پژوهش‌های سیاست اسلامی، ش ۱.
۲۴. مهدی‌زاده، حسین (۱۳۸۲)، «آموزه‌های اسلامی در باب تقلید از الگوها (با تأکید بر دوره جوانی)»، در: معرفت، ش ۶۷.
۲۵. بیانات در اولین نشست اندیشه‌های راهبردی با موضوع الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، ۱۰ آذر ۱۳۸۹.
۲۶. بیانات در چهارمین نشست اندیشه‌های راهبردی با موضوع آزادی، ۲۳ آبان ۱۳۹۱.
۲۷. بیانات و پیام‌های آیت‌الله خامنه‌ای برگرفته از تارنمای معظم‌له: <http://farsi.khamenei.ir>
۲۸. پیام به کنگره هفت هزار زن شهید کشور، ۱۶ اسفند ۱۳۹۱.
۲۹. دیدار با استادان و دانشجویان کردستان، ۲۷ اردیبهشت ۱۳۸۸.
۳۰. دیدار با اعضای شورای عالی مرکز طراحی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، ۱۴ اسفند ۱۳۹۱.
۳۱. دیدار با اقشار مختلف مردم به مناسبت میلاد امیرالمؤمنین علی ۷، ۳۰ شهریور ۱۳۸۱.
۳۲. دیدار با بانوان پزشک سراسر کشور، ۲۶ دی ۱۳۶۸.
۳۳. دیدار با پاسداران، جانبازان، دانشجویان و دانش‌آموزان، ۱۱ آبان ۱۳۷۹.
۳۴. دیدار با جمعی از مداحان سراسر کشور، ۲۳ اردیبهشت ۱۳۹۱.
۳۵. دیدار با دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد، ۲۵ اردیبهشت ۱۳۸۶.
۳۶. دیدار با زائرین و مجاورین حرم مطهر رضوی، ۱ فروردین ۱۳۹۰.
۳۷. دیدار با زائرین و مجاورین حرم مطهر رضوی ۷، ۱ فروردین ۱۳۸۵.
۳۸. دیدار با شرکت‌کنندگان در اجلاس جهانی زنان و بیداری اسلامی، ۳۱ تیر ۱۳۹۱.
39. Kosko, Bart., (1993), *Fuzzy Thinking: the New Science of Fuzzy Logic*, Hyperion: New York.
40. Reason, p., Rowan, j., (1981), *Human Inquiry : A Sourcebook of New Paradigm Research*, Chichester Wiley